

<p>محل الصاق عکس</p>	<p>گزارش چکیده پایان نامه / رساله فارسی و انگلیسی</p>						 دانشکده حقوق و علوم سیاسی
<p>۱۳۹۹/۰۶/۳۰</p>	<p>تاریخ دفاع:</p>	<p>کارشناسی ارشد</p>	<p>مقطع تحصیلی:</p>	<p>روابط بین الملل</p>	<p>رشته تحصیلی:</p>	<p>اکرم نادری</p>	<p>نام و نام خانوادگی دانشجو:</p>
<p>دکتر محمد ولی مدرس</p>			<p>نام استاد/ اساتید داور</p>	<p>دکتر ارسلان قربانی شیخ نشین</p>	<p>نام استاد مشاور</p>	<p>دکتر سید سعید میرترابی</p>	<p>نام استاد راهنما</p>
<p>تاثیر خیزش چین بر عناصر و روش های به کارگیری قدرت نرم در عرصه سیاست خارجی این کشور</p> <p>The impact of the China's rise on the elements and methods of utilizing soft power in foreign Policy</p>							<p>عنوان پایان نامه / ساله:</p>
<p>اصطلاح قدرت نرم توسط جوزف نای رواج یافت. نای در کتاب خود با عنوان "قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل" اشاره می کند که قدرت در مفهوم کلی به معنای قابلیت نفوذ در رفتار دیگران به منظور حصول نتایج دلخواه تعریف می شود. بر این اساس قدرت نرم یعنی داشتن قابلیت ها یا منابعی که می تواند بر نتایج تاثیر داشته باشد، اما در عصر اطلاعات، توزیع منابع قدرت در موضوعات مختلف بسیار تغییر کرده است. از طرفی، قدرت نرم یعنی اینکه دیگران را ترغیب کنیم همان چیزهایی را بخواهند که ما می خواهیم. قدرت نرم بر قابلیت شکل دادن به علایق دیگران تکیه دارد. البته قدرت نرم دقیقا به معنای نفوذ نیست زیرا نفوذ می تواند شامل قدرت سخت نیز باشد. ولی قدرت نرم چیزی بیش از قانع کردن صرف یا توانایی حرکت دادن مردم از طریق استدلال می باشد. از دیدگاه وی، همزمان با ورود به هزاره سوم میلادی و به دلیل تغییر ماهیت سیاست های بین المللی، منابع قدرت نیز تحول یافته و اشکال نامحسوس قدرت از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. در واقع، تحول بستر قدرت در سیاست بین الملل موجب شده تا قدرت از خاستگاه اصلی خود تغییر مکان داده و جوامع نیز قدرتمندی را نه در گرو منابع صرفا مادی، بلکه در توانایی تغییر رفتار دولت های دیگر به حساب آورند. این بعد از قدرت، چهره دوم قدرت و یا قدرت نرم خوانده می شود که محصول و برآیند کسب اعتبار بین المللی و تأثیر گذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران است. قدرت نرم، توجه به اشغال فضای ذهنی شهروندان دیگر جوامع از طریق ایجاد اقناع است و هدف آن در درجه</p>							<p>بیان مسئله:</p>

<p>نخست، افکار عمومی خارج است. در قدرت نرم باید دید دنیا چگونه به ما می‌نگرد، نه اینکه ما به دنیا چگونه نگاه می‌کنیم.</p>	
<p>روش مورد استفاده در این پژوهش روش توصیفی - تحلیلی است. از این رو که با توجه به شواهد و واقعیت‌های عینی و منابع موجود، به تجزیه و تحلیل و همچنین بررسی مسائل می‌پردازد. روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز کتابخانه‌ای، اسنادی و به ویژه اینترنتی می‌باشد.</p>	<p>روش پژوهش:</p>
<p>خیزش چین چگونه بر عناصر و روش‌های قدرت نرم به عنوان یکی از مولفه‌های عمده قدرت دولت‌ها در عرصه سیاست خارجی تاثیر گذاشته است؟</p> <p>خیزش چین از طریق تأکید بر به کارگیری مولفه‌های فرهنگی بومی و برجسته سازی ارائه ابتکارهای همکاری اقتصادی و تجاری در مناسبات خارجی، سبب گسترش عناصر و روش‌های به کارگیری قدرت نرم در عرصه سیاست خارجی این کشور شده است.</p>	<p>سؤال و فرضیه تحقیق:</p>
<p>در فصل اول کوشش پژوهش مبتنی بر این بوده است که بر اساس چارچوب مفهومی، به تعریف مفهوم وجهه دوم قدرت، یعنی قدرت نرم از دیدگاه جوزف نای پردازد. از دیدگاه نای، همزمان با ورود به هزاره سوم میلادی و به دلیل تغییر ماهیت سیاست‌های بین‌المللی، منابع قدرت نیز تحول یافته و اشکال نامحسوس قدرت از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. وی در تلاش است که این وجهه قدرت که محصول و برآیند کسب اعتبار بین‌المللی و تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران است را توضیح بدهد. در فصل دوم این پژوهش به این پرداختیم که قدرت نرم، سالها پیش از تعریف مفهوم آن به طور رسمی از طرف جوزف نای در مفاهیم قدرت در سیاست بین‌الملل وجود داشته است. ولی جوزف نای این اصطلاح را به طور جدی در رابطه با سیاست خارجی آمریکا، مورد مطالعه قرار داده و آن را به صورت اندیشه‌ای جدید به مبحث قدرت سیاسی در قالب طرح گفتمان قدرت نرم وارد کرده است. اما با مطالعه‌ی مصادیق سیاست خارجی رهبران چین به این نتیجه رسیدیم که این مفهوم، در کشور چین و در بین رهبران کمونیست چین (از زمان رهبری مائو تا شی جین پینگ) و سیاست خارجی آنان وجود داشته است.</p> <p>برای آزمون فرضیه در فصل سوم؛ ۱- ابعاد خیزش چین در قرن جدید به عنوان یک قدرت اقتصادی و به تدریج فرهنگی. ۲- ابتکارهای اقتصادی مختلف چین و چگونگی پیوند خوردن آن‌ها با قدرت نرم این کشور. ۳- مولفه‌های فرهنگی بومی چین برای تقویت قدرت نرم در عرصه سیاست خارجی این کشور مورد بررسی</p>	<p>روند پژوهش:</p>

قرار گرفت و به نتایجی به شرح ذیل رسید؛ قدرت نرم یکی از مهمترین جنبه‌های استراتژی سیاست خارجی در هزاره‌ی جدید است. با تداوم رشد سریع اقتصادی چین و قدرت‌یابی آن در قرن بیست و یکم، دولت چین به طور روز افزونی به اهمیت و فوریت قدرت نرم در سیاست خارجی خود بیشتر پی برده‌اند. از منظر ابعاد قدرت اقتصادی، اقتصاد آن در مقام دوم اقتصاد بزرگ جهان قرار دارد. با دارا بودن بیشترین مازاد تجاری و ذخیره ارزی (بیش از سه هزار میلیارد دلار یعنی یک سوم ذخیره ارزی جهانی) بزرگ‌ترین مصرف‌کننده و واردکننده برخی کالاها و منابع طبیعی و مواد خام محسوب می‌شود. بر اساس آمار صندوق بین‌المللی پول تولید ناخالص داخلی (اسمی دلار) چین بعد از ایالات متحده (۱۸/۴) با ۱۱ تریلیون تولید ناخالص داخلی در رتبه دوم قرار گرفته است. موفقیت دیپلماسی اقتصادی چین در رشد بسیار سریع تجارت خارجی و دیگر مؤلفه‌های اقتصادی آن نمود دارد. همچنین با پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱ و تصویب قوانین مربوط به حقوق مالکیت خصوصی در سال ۲۰۰۷ این روند ادامه و تصویب شده است.

فرهنگ چین از منابع قدرت نرم چین بوده که در سال‌های اخیر بیش از همه درباره‌ی آن تبلیغ شده است. همچنین چین سعی بر این داشته است که فرهنگ بومی و سنتی خود را به عنوان یک فرهنگ جهانی ترویج کند و نقش فعالانه تری در امور بین‌الملل ایفا نماید، در این راستا از ابزارهای دیپلماسی عمومی مانند؛ رسانه‌های چینی، اشاعه و ترویج زبان چینی، نهادهای کنفوسیوسی، فیلم و سینما، انجمن‌ها و مراکز فرهنگی، مهاجرت و دیاسپورای چینی و صنعت گردشگری کمک گرفته است.

مهمترین یافته‌ها :

در این پژوهش دریافته‌ایم فرضیه این پایان نامه که برخیزش چین از طریق تأکید بر به کارگیری مولفه‌های فرهنگی بومی و برجسته‌سازی ارثه‌ی ابتکارهای همکاری اقتصادی و تجاری در مناسبات خارجی، استوار بوده است، سبب گسترش عناصر و روش‌های به کارگیری قدرت نرم در عرصه سیاست خارجی این کشور شده، تایید شده است.

تأیید استاد راهنما

